

[Afghanistan Digital Library](http://hdl.handle.net/2333.1/qjq2bvxp)

adl0038

<http://hdl.handle.net/2333.1/qjq2bvxp>

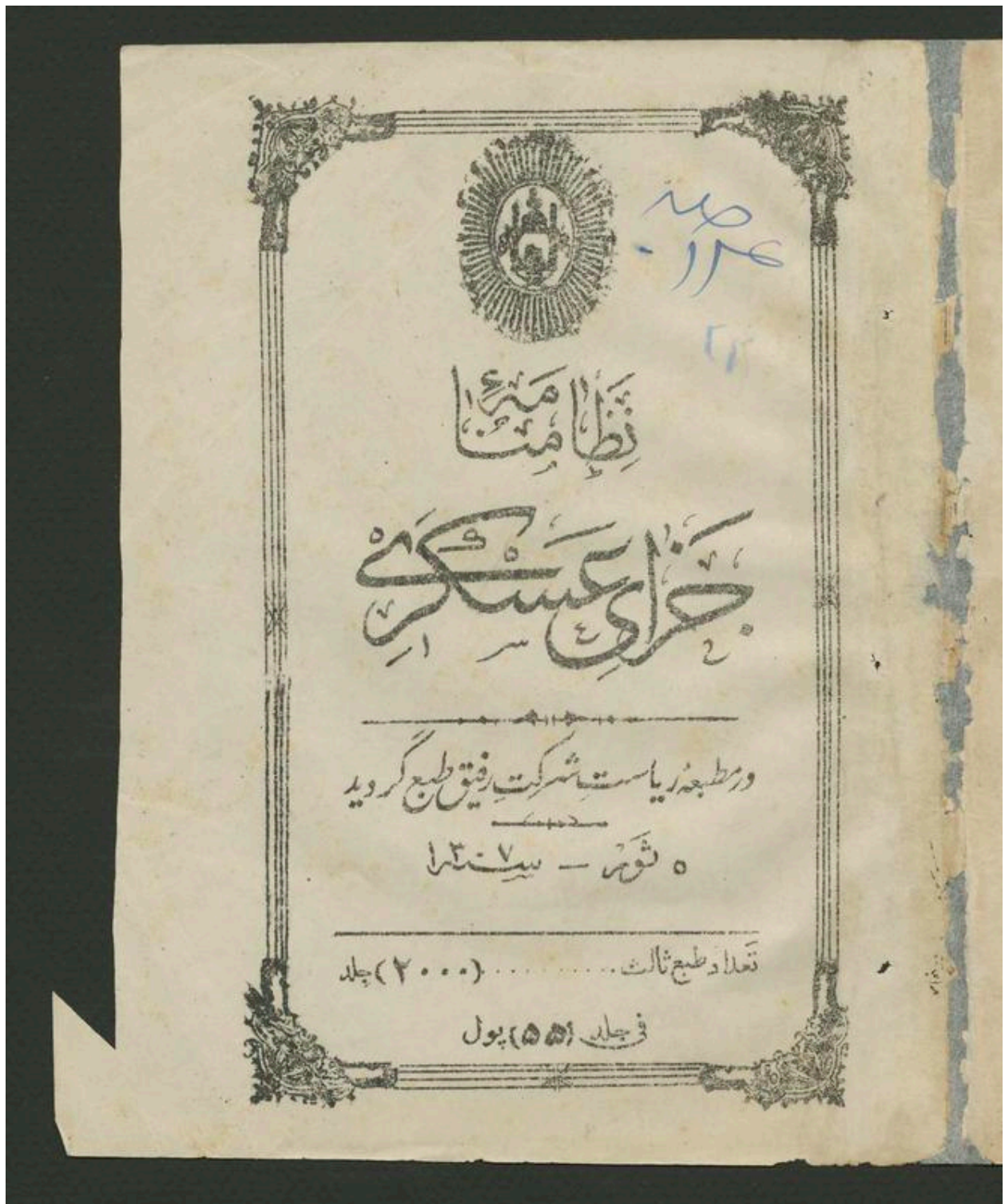


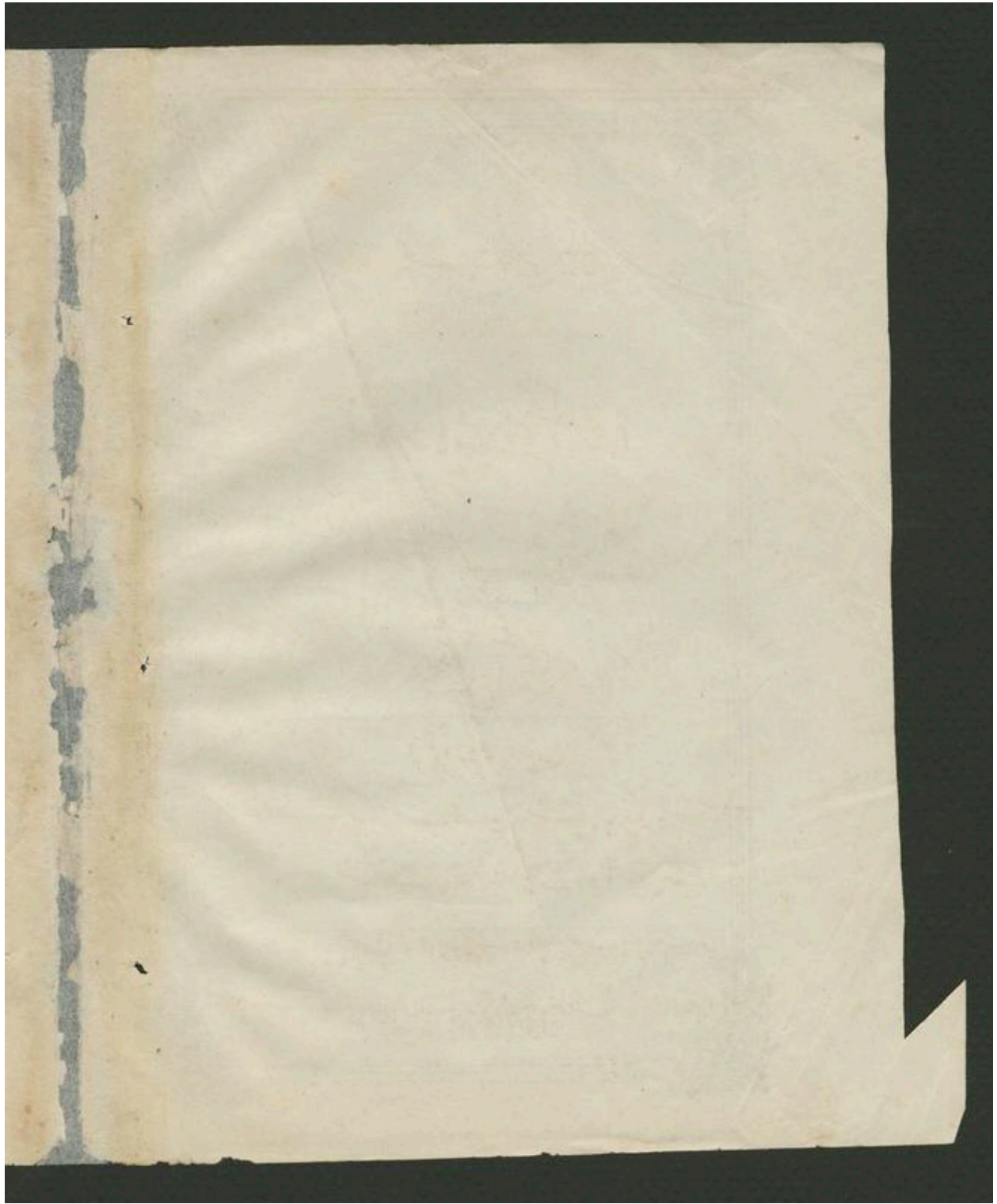
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظامنامه جزای عسکری

باب اول

مُقَدِّمَةٌ

فَصْلٌ أَوَّلٌ

(قواعد عمومی)

۱: ^{قائد} محاکمه منصبداران و سپاهیانیکه بالفعل در اردو
افغانستان خدمت میکنند، و ناموین ملکیکه در راه
عسکری مستخدم میباشند در دیوان حرب با اجرا میشود.

۲: دیوان حرب با در حق مجربین بموجب نظامنامه جزای عسکری

ماده جزای عسکری

تعیین جزایمانند، و جزای جرایمیکه درین نظامنامه ذکر
نشده اند نظر نظامنامه جزای ملکیت تحدید میشود.

۳: — جرایمیکه در مابین نظامیان و کسانیکه نظامی نباشند ظهور کند
محاکمه آن در محکمه ای عدلیه رؤیت میگردد، و اگر نظامیان
با چند نفر غیر نظامی در خارج خدمت عسکریت یک جریمه را که
بنظام تعلق نداشته باشد مشترکاً ارتکاب نمایند، محاکمه ایشان
نیز در محاکم عدلیه اجرامی یا بدو فقط محل انفاذ جزائی که در حق
عسکر یا صادر گردد و جهت عسکریت است، هرگاه جرمیکه ازینجا
کرده اند از جمله جرمهائی باشد که در فصل (نهم) باب (دوم)
این نظامنامه تصریح و توضیح گردیده است، محاکمه کافه آنها در
دیوان حرب رؤیت می یابد

۴: — در دیوان حرب با دعویهائی حقوق پذیرفته میشوند، و علاوه
بر آن دیوان حرب با در باره دعوای حقوق شخصیه
حکم نمی نمایند و در صورتیکه بچنین یک معامله پیش رفت
برای حکم تعیین حقوق شخصیه اوراق دعوی را برای محاکم عدلیه چنانچه

الاضافه الى
القانون
الجزائري
المصري
المجلد
الاول

نظام جزای عسکر ۲۰۰۰
مجلد اول

۵- مجازات عسکرانیکه نظامات مالیه و ملکیه مخالفت کنند
 بموجب قاعده مانیکه در نظامنامه های آن تصریح گردیده است
 حکم میشود فقط از سلاح اندازان جنبل نقدی گرفته میشود
 و بر طبق نظامنامه جنبل ملکیه سلاح اندازانیکه بجزای نقدی
 محکوم گردند، جزای نقدی شان بحسب تحویل سپاه پادشاهی
 که برای خنجر و پیله اول (فی روپیگیه و ز) و علاوه بر خنجر و پیله
 اول (برای هر خنجر و پیله دیگر یک و ز) محسوس میباشد، مگر از
 سلاح اندازانیکه از سبب دیت، ورشوت و سرقت
 و ارتکاب سایر مجزای نقدی محکوم گردیده باشند
 جزای نقدی گرفته میشود.

۶- جرمانیکه قانونا مستلزم مجازات اند بر سه نوع است.

اول قباحه، دوم جحه، سوم جنایت.

۷- قباحه مستوجب مجازات تکدیریه، جحه مستوجب مجازات

تادیبیه، جنایت مستلزم مجازات تربیتی میباشد.

۸- مجازات تکدیریه در باره کافه متعویین عسکریه از ۲۴ ساعت

تا ۵۰ روز جزاے جس است، و در باره سلاح اندازان

از سه چوب تا پانزده چوب جزاے ضرب، و جزاے

موقوفیت رتبه هاے خور و ضابطان هم از مجازات تکذیریه

۹: — مجازات تا ویدیه در حق منصبداران عبارت است

از جزاے موقوفیت از رتبه عسکریه شان، و در باره

همه منسوبین عسکریه [از چهل و پنج روز تا سه سال جس عادی]

و برای سلاح اندازان جزاے ضرب است [از پانزده

چوب تا هشتاد و پنج]

۱۰: — مجازات تربیدیه در حق عموم منسوبین عسکریه عبارت است

از جزاے جس [از سه سال تا جس دوام و اعدام]

۱۱: — جزاے جس که متعلق است بمجازات تکذیریه بنام

نظربندی و جس ریاضت و دونهی است، حکم نظربندی در حق

منصبداران صادر گردیده باشد در حالیکه در کوته خودشان

بوده برود و از نه خودشان یکفر بهره وار معین باشد اجر میگرد

و جس ریاضت در درون چاه و قی در یک کوه که برآ

از مجازات تکذیریه

منصبداران جس خانه اتجا ذکر ویده، در حالیکه بر دروازه
آن یک پهره ایستاده باشد ایفای می یابد. و سلاح انداز
بجس ریاضت محکوم گردیده باشند، منفرداً یعنی تنها
تنها جس میشوند، و منصبداران و سلاح اندازانیکه بجس
ریاضت محکوم گردیده باشند در روز تنها دو پا و (نان
خشک) و بقدر ضرورت آب داده میشود، غیر از این دیگر
رقم خوراک و چای و تنباکو و قهوه و از قبیل آن دیگر کیفیات
داده نمی شود.

الف- سلاح اندازان و ستمین و وائرسکیه با ستکا
منصب دارانی که در قاعده (۱۹۹) تشکیلات
اساسیه ذکر شده از سوء اعمال خود بزرگوار گرفته
میشوند تا وقتیکه محاکمه شان دوام می ورزد از
تخواه شان بقدر یک جبه دستگیری شان نمیکند
تنها فی روز دو پا و نان پنجه یا پا پنچ افغانی از خود
برایشان از طرف دولت داده میشود، در صورتیکه

بالحاکمه براهه شان ظاهر و ثابت شود، بعد از وضع
نان خورده مذکور تنخواه شان کاملاً داده میشود.

ب:- منصبداران و سلاح اندازان و سایر مستخدمین
دو ابر عسکریه که از دائره مافوق شان، یا بالحاکمه از
هضور یک دیوان حرب بیعاده معینه (۲۴) ست
الی یکسال محکوم جزا میشوند و بحبس عادی و یاریافت
در خود لاین مجبور و محکوم شمرده شوند، نظر بجرایم شان
مطابق ذیل تمیل میشود.

(اول) - کسانی که در جرم قباحت بحبس ریاضت محکوم
میشوند مطابق همین ماده (۱۱) تنها دو پاوان
خشک و بقدر ضرورت آب داده میشود،
تنخواه این چنین کسان مناصف داده میشود.
(دوم) - کسانی که بجرم قباحت بحبس عادی محکوم میشوند
چون قانوناً ماکولات و مشروبات شان
محدود نیست از آنرو خود شان باستعمال

ماکولات و مشروبات لازمه مجاز بوده
تتخواه اینچنین اشخاص و وثاقت داده میشود.
(سوم) اشخاصیکه نظر بجرایم جنیه یعنی مجازات تادیبه
که بالحقا که از حضور یک دیوان حرب بحسب
عادی از (۴۵) روز تا الی یکسال داخل
لین مجبوس میشوند در اینچنین حبس تنبیه
دو پاوانان پنجه یا ۵ افغانی نان خوره ارط
دولت داده میشوند، و از تتخواه بکلی محروم
شمرده میشوند.

(ج) نظر حکم ماده (۳۹) این جزای عسکری هرگاه منظر
عسکری بتوقیف عادی یا انفرادی مجبور گردد
الی زمانیکه از محکمه حکم قطعی صادر شود تنها دو پاوان
نان پنجه داده میشود

(د) منظرین و محکومین که فوق مذکورند و بروز دو پاوانان
یا ماهواره ۵ افغانی مستحق نان خوره دیده میشوند

الغرض از این است
که اشخاص را
بجای مجازات
تادیبه
بجای مجبوس
در اینچنین
حبس تنبیه
دو پاوانان
پنجه یا ۵
افغانی نان
خوره ارط
دولت داده
میشوند، و
از تتخواه
بکلی محروم
شمرده
میشوند.

ندایم جزای عسکری...
ماده ۳۹

نان خورده شان از همان معاشی که در بست قطعه
منظوری دارند داده شود .

(ه) - کسانی که نظر بقواعد فوق مستحق نان خورده میشوند
در قطعاتی که نان پخته داده میشود، نان پخته - و در
قطعاتی که هنوز وادون نان پخته بعمل نیامده باشد
(۵) افغانی ماهواره نان خورده داده میشود .

۱۲ - کسانی که از جمله خورده ضابطان و دلگی مشران از سه چوب
تا پانزده چوب بجزای ضرب محکوم گردیده باشند،
در پیش روی هم رتبه های خود مجاز است میشوند، چون
این مقدار جزای ضرب و جزای حبس از بیست و چهار
ساعت تا چهل و پنج روز مستوجب موقوفیت رتبه شان
نمیکرد. و برای اینکه قدر و قیمت ایشان در نظر سپاهیان
نقصان نپذیرد جزای ضرب شان در پیش روی سپاهیان
اجرا نمیشود .

۱۳ - کسانی که از جمله سلاح اندازان بجزای ضرب محکوم شوند،

در این باب از سپاهیان

با یک چوب صاف بی شاخه کبرنج بدست و راز و لکلی
بقدر انگشت کوچک باشد زده میشوند. جزای ضرب
درجه صفت حرب تولی و یا کند که که محکوم بآن منسوب
و در پیش روی منصبداران نوکری والای همان تولی
و کندک اجرا میشود.

۱۴: — خور و ضابطان و دلگی مشرانیکه مجازات تادیبیه محکوم
گردیده باشند رتبه شان موقوف میشود. و تا زمانیکه
دو سال بحیثیت یکسپاهی خدمت عسکریه را ایفا نکنند
دوباره ترفیع نمیشوند. خور و ضابطان و دلگی مشرانیکه تری
شان ساقط گردیده بجزای ضرب محکوم شده باشند
در پیش روی هیئت عمومی قطع که بآن منسوبند زده میشوند.
۱۵: — منصبدارانیکه یکسال و یا زیاده بر آن حبس محکوم گردیده
باشند، در عین زمان بجزای موقوفیت از خدمت
عسکریه هم محکوم میشوند.

۱۶: — حکم: — موقوفیت منصبدارانیکه بجزای موقوفی محکوم

عبدالله علی خانی ۱۳۰۰ هجری

گرویده باشند بر وجه ذیل اجرا می پذیرد :-
اولاً - منصبداران و سلاح اندازان غنچه و یا کندیکه
منصبدار محکوم بآن منسوب است ، بی سلاح گردیده
در صحن چا و نی و یا میدان تعلیم اجتماع میکنند .
ثانیاً - بشرطیکه بر بالاسر منصبدار محکوم هیچکلی از علامات
عسکری موجود نباشد ، و در حالیکه در محافطه و یکقطعه
مسلمه پنجاه نفری عسکری بوده باشد به جنبه صفت
حرب این عسکر آورده میشود .

ثالثاً - یکی از اعضای همان دیوان حربیکه حکم طرد و باره او
داده است مضبوط دیوان حرب را با صورت
فرمانیکه از طرف اشرف پادشاهی تصدیق آنرا
حاوی بوده است قرائت میکند .

رابعاً - اگر مطرود علاوه بر آن جزای حسن محکوم گردیده باشد
پولای پوره گردن جزای خود و سپس خانه ملکیه بکوتوالی
تسليم میشود .

المنصبدار محکوم

عبدالدربار جزای عسکری

۱۷ — سلاح اندازانیکه بجز اسکے ضرب از پانزده چوبالی هشتاد
چوب محکوم گردیده باشند پیش از اجرایا قتل جزای ضرب شان
بطیب معاینه کنند و میشوند اگر محکوم بمیار باشد، بعد از رفع
و ازاله بیماری بجز امیرسد .

۱۸ — خواه سلاح اندازان خواه منصبداران که زیاده از یکسال
بجز اسکے حبس محکوم گردیده باشند، در حبس خانه کوتوالی
بایفاکے مدت حبس شان مجبورند و اینچنین اشخاص از دست
جلیه عسکریت هم محروم میگروند .

۱۹ — جزا اسکے اعدام هرگاه موافق بتطامنه جزای عسکری
از دیوان حرب صادر گردیده باشد، طرز اجزای حکم که
در این باب داده شده باشد بر وجه ذیل اجرا میگردد .
اولاً — همان غند ویا کند لیکه محکوم بدان منسوب است
بی سلاح گردیده در محلیکه « میدان سیاست »
مقرر گردیده باشد قرار هم کرده میشود .

ثانیاً — در حالیکه بر محکوم هیچ یکی از لباس و علامات عسکری

موجود نباشد در تحت محاطه یک قطعه مسطحه پنجاه
نفری بمیدان سیاست یعنی قل گاه آورده میشود.
ثالثاً - یکی از اعضا همان دیوان حرب که در باره او
اعطای حکم نموده، اعلام حکم را با فرمان بهایونی
که آنرا تصدیق میکند مجبراً میخواند.

رابعاً - چشمهای محکوم را بسته بمحل مخصوصش برده میشود
 و در آنجا بیک قطعه دوازده نفری که از نشاخی های
 بسیار ماهر و متبحر که از اول احضار گردیده اند انتظار
 توالی مشرئوگری والا باشارت دست بربالای
 محکوم حکم آتش داده میشود، نشاخی ها عین بر سینه
 محکوم نشان گرفته قتل و آتش دادن مجبورند.

۲۰ — محکوم پیش از آنکه بمیدان سیاست آورده شود، بالایی و
آبدست کنایه دورکت نماز خوانده میشود، و بواسطه امام
کندک که در آنجا موجود میباشد توبه و استغفار با او میخوا
داشتن و یانداشتن و حقیقتش از او پرسیده میشود

۲۱- در روز جمعه و سایه یایام مبارکه و مخصوص حکم

اعدام اجرا می شود .

۲۲- اگر حکم اعدام بر طبق نظامنامه جزای ملکیت از طرف دیوان

حرب دیا از طرف محکمه عدلیه داده شده باشد و اقرار مر

بطریقیکه در قاعده (۱۵) بیان گردید . بعد از آنکه محاکمه

موقوفیتش در پیشروی قطعه عسکریه که بان فصول است

اتمام پذیرفت براساییکه حکم اعدام موافق باصول ملکیت

اجرا یابد ، خودش بکو توالی تسلیم کرده میشود .

۲۳- مجرمین عسکریه که زیاده از یکسان مجس محکوم گردیده باشند

بعد از آنکه بکو توالی سپرده شوند ، مثل محکومین ملکیت متبعا

جزایته خود را ایفا و اکمال نمایند .

۲۴- یک شخصیکه بروی چندین جرم یکبارگی ثابت شود از جمله

انها بوجب همان جرمیکه مستلزم جزای سنگین تر باشد

حکم در باره وی صادر میگردد .

۲۵- تخفیف جزای محکومین عسکریه فقط از جمله حقوق پادشاهی است

۲۶ — حکم جزا بر جرایمیکه از نوع جنح و جانیست باشند خاص در حضور

دیوان حرب بالحا که صادر میگردد.

۲۷ — بر ابرایمیکه از نوع قباحست باشند صاحبان هررتبه با

ماستحان خود بر وجه ذیل اختیار و دادن امر جزا دارند.

اول — سپه سالار، نائب سالار، فرقه مشران،

لوا مشران در باره منصبداران ماتحت شان [از

بیت و چهار ساعت تا چهل و پنجر و ز نظر بند

و حبس ریاضت]

و در باره سلاح اندازان [از بیت چهار ساعت

تا چهل و پنجر و ز نظر بندی و حبس ریاضت، و از

سه چوب الی پانزده چوب ضرب]

سپه سالار اختیار رفع رتبه خور و ضابطان

و دگلی مشران را هم دارد.

دوم — غنچه مشراول و ثانی و کندک مشران در باره

منصبداران ماتحت خود [از بیت و چهار ساعت

التمتع بالعلم والادب

الی پانزده روز نظر بندی و حبس ریاضت [
 در حق سلاح اندازان] از بیست و چهار ساعت
 تا پانزده روز نظر بندی و حبس ریاضت. و از
 سه چوب الی ده چوب جزا که ضربا
 سوم — کاتب غند کاتب کندک براه راست باره
 جرم سرپرک مشران و کاتب های تولى که در
 معیت شان مستخدم میباشند به غند مشران
 و کندک مشرانیکه بآن منسوبند مراجعت کرده
 جزا که شانرا تحدید نموده میتوانند
 چهارم — تولى مشران در باره ضابطان و سلاح اندازان
 ماتحت خودشان [از بیست و چهار ساعت
 تا سه روز نظر بندی و حبس ریاضت]
 پنجم — بلوک مشران اول و ثانی در باره سلاح
 اندازان ماتحت شان [از بیست و چهار ساعت
 تا سه روز نظر بندی و حبس ریاضت]

عبدالدیان جزا که حکم می دهد

۲۸: — منصبداریکه حکم جزا بکس ضرب را داده باشد، این جزا را
بالذات بدست خود اجرائه تواند. این جزا بهمه حال بطریق
که در قاعده (۱۳) بیان گردید در حاضری شام
اجرائه میشود.

۲۹: — یک منصبداریکه قباحت ماتحت خود را مستلزم چنان جزا
تکذیری که بالاتر از اختیار درجه خودش باشد حس نماید،
بمنصبدار مافوق خود مراجعت نموده جزا بکس را که در دایره
صلاحیت و اختیار مافوق او است بواسطه خود او تحمید
کرده میشود.

۳۰: — هر منصبداریکه در داخل دایره اختیار و نیت خود ماتحت
خود را مجازات نماید، لازم که بعد از اكمال جزا با تحریرات بری اصل کیفیت
و اسباب موجب آنرا بمنصبدار مافوق خود اخبار و اشعار نماید.

۳۱: — هرگاه از نوع قباحت کدام جرمی بنا بر یک سببی از سببها
بمختوریک دیوان حرب برسد، در حق مجرم جزائی را که در
نظامنامه جزا در باره آن مندرج است حکم میکند.

فصل دوم

(صورت تشکیل دیوان حرب ها)

۳۲: هر دیوان حرب از یک رئیس و شش عضو ترکیب می یابد. برای محاکمه منوبین عسکری که در هر رتبه و هر مقام باشند علاوه بر رتبه رئیس اعضای دیوان جربها و جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول رتبه های رئیس و اعضای دیوان حرب را در مقابل رتبه های نشان میدهد		
رتبه های ترکیب از اعضا	رتبه رئیس دیوان حرب	رتبه مشتملین
یک کندک مشر و دو تولی مشر یک بلوک مشر	غند مشر و یک کندک مشر	خوردضا بطان و تولی مشران و سها بیان
یک کندک مشر و دو تولی مشر و دو بلوک مشر	" "	بلوک مشران
اول یک بلوک مشر ثانی	" "	تولی مشران کاتبان کند
یک غند مشر ثانی و دو کندک مشر تولی	غند مشر اول و ثانی	کندک مشران کاتبان غند
یک غند مشر اول و غند مشر ثانی سه کندک مشر	لوا مشر و یا غند مشر اول	غند مشران اول و ثانی
سه لوا مشر سه غند مشر	فرقه مشر و یا لوا مشر	لوا مشران
سه فرقه مشر سه لوا مشر	نائب سالار و یا فرقه مشر	فرقه مشران
دو نائب سالار چهار فرقه مشر	" "	نائب سالار
سه نائب سالار سه فرقه مشر	نائب سالار	

۳۳- محاکمه سپه سالار مانند وزیر دیوان عالی عاید است .

۳۴- رئیس و اعضای دیوان حرب همه حال باید تبعه افغان باشند و عمر هیچکدام شان از بیست سال کمتر نباشد و با هم نباید قرابت و نه مناسبتی داشته باشند و نه دراپایل ایشان و متهم یک سابقه غرض نفسانیت بوده باشد .

۳۵- در قوانین قول اردوی مرکزی کابل و فرقه ها و غنم ها مستقل برای محاکمه سپاهیان و ضابطان و خور و ضابطان یک یکت دیوان حربی و ایمنی تشکیل گردیده است رئیس و اعضای این دیوان حرب با سببیکه سال یکده تبدیل میانند از میان آمران و ضابطان که بصنوف مختلفه منسوب میباشند تنها و با انتخاب دیگر و نه تطبیق و تطبیق اعضا دیوان حرب دائمی و رئیس آن از طرف فرماندهان قول اردوی مرکزی کابل و فرقه ها و غنم ها نمیستقله متعلقه آنها مصدق گردیده بوزارت حربیه فرستاده میشود و در آنجا بجلس عسکری محاکمه کرده میشود .

در این دیوان حربی

۳۶ — هرگاه محاکمه یکی از آمران و یا ارکان لازم آید، بطریقیکه
در قاعده (۳۲) بیان گردید یک دیوان حرب موقت
تشکیل میگردد.

و اگر در یک فرقه برای تشکیل یک دیوان حربیکه ترتیب هشتم
متناسب باشد بدرجه کافی منصفان یا فقه نشوند بوزارت
حربیه مراجعت میشود، و بواسطه وزارت یا از فرقه های
دیگر انتخاب گردیده بخل مذکور سوق میشود، و یا خود ششم بخل
جلب گردیده بوزارت حربیه در دیوان حربی که عیناً
با صولیکه در جدول نشان داده شده تشکیل گردیده باشد
محاکمه اش اجرا میگردد.

* *

*

در دیوان

فصل سوم

(صورت سوق منسوبین عسکریه یوان حرب صورت کجرا)

(محا که صورت قصدی حکم یوان حرب در باره آنها)

۳۷ — بجز ویکه از طرف مافوق ارتکاب جرم بدرجه جنحه و جنایت
از یکی از منصبداران و سلاح اندازان خبر گرفته شود و پس
گردودر باره آن یا بالذات و یا نظریه اهمیت جرم بواسطه
یک هیئتی که از سه منصبدار مرکب باشد تحقیقات ابتدائی
اجرا کرده میشود.

کسانیکه به اجلاس تحقیقات ابتدائی نامورند جمیع افاداتی را
که در ثبوت جرم باشند قید و بر قدر دلائل اماراتی را
که در آنخصوص موجود اند کافه آنرا ضبط و حفظ میکنند، هرگاه
جرم مظنون متعلق باشد بحسابات همه اوراق حسابیه اش
تذقیق و از میان آن هر قدر اوراقیکه شبهه ناک و مدار
ثبوت جرم او باشند کذا لک و در میان اوراق تحقیقی

این فصل در مورد جرم یوان حرب است

در صورتی که در اوراق حسابیه اش

او خال کرده میشوند، جمیع صحیفه ها نیکه افادات منظون شهود را
 حاوی بوده با کاذب کتابها و اوراق ثبوتیه بر ما مورین تحقیق
 کرده میشوند، و منظون نیز چنانچه بدستخط کردن بجهت افادات
 خود مجبور است همچنان در آخر افاده های خود این جمله را
 که اوراق حسابیه که مدار ثبوت جرمند بکلی بخودش غایب میشدند
 دستخط و تصدیق میکند، بعد از آن ما مورین تحقیق یک
 خلاصه که نتیجه تحقیقات را مبین و بر افادات اوراق
 ثبوتیه مبتنی باشد با فکر و قناعت مخصوصه خود با
 در حق وجود و یا عدم جرم بیان و اوراق را بذاتیکه تحقیقات را
 امر داده است تقدیم میکنند.
 ما مورین تحقیقات باید از روی رتبه مافوق کسی باشند
 که در خصوص تحقیقات اجراء کرده میشود، و یا بهمه حال بهتر
 بودن شان لازمت.

۳۸: — هرگاه در نتیجه تحقیقات در صورتیکه بوقوع جرم قناعت مطلقه
 حاصل گردد، و منظون از ضابطان و سلاح اندازان باشد

این قسم را در صورتیکه در تحقیقات
 اوراق حسابیه و مدار ثبوتیه
 جرمین باشد باید از روی رتبه
 مافوق کسی باشند که در خصوص
 تحقیقات اجراء کرده میشود، و یا
 بهمه حال بهتر بودن شان لازمت.

در صورتیکه در تحقیقات
 اوراق حسابیه و مدار ثبوتیه
 جرمین باشد باید از روی رتبه
 مافوق کسی باشند که در خصوص
 تحقیقات اجراء کرده میشود، و یا
 بهمه حال بهتر بودن شان لازمت.

اوراق تحقیقه او بدیوان حرب دایمی فرقه سپرده میشود،
و اگر منظون از غیر فرقه رساله شاهی کابل بوده بیکای نقطه
و یا تشکیلات عسکریه منسوب، و یا خود اذونات و یا نامور و کابل
ساکن باشد بدیوان حرب دایمی تواند فی مرکزی کابل حواله نمود
میشود، اگر منظون از جمله آمران و یا ارکان باشد اوراق تحقیقه
وی بوزارت حربیه تقدیم، و در باره لزوم تحت محاکمه گرفته
شدن او اجازه طلب میشود. وزارت حربیه نیز تازمانیکه
دائره محاکمات وی تشکیل یابد اوراق تحقیقه را به مجلس
عسکری (و بعد از تشکیل یافتن دائره محاکمات بخود دائره
مذکور حواله میکند، تدقیقات اوراق تحقیقه به مجلس عسکری
و یا دائره محاکمات هرگاه در باره وقوع جرم قناعت بخشد
یک مضبطه که لزوم محاکمه منظون را حاوی، و بر دلایل واضح
مستند باشد تنظیم گردیده بوزارت حربیه تقدیم میشود، و وزیر
حربیه نیز این مضبطه را بایک عریضه از طرف خود لفا بخدمت شاهی
تقدیم و اجازه دادن و مساعدت نمودن محاکمه منظون را

حکایت

به ذات همایونی عرض میدارد، در صورتیکه معروضات مقبول
و منظور گردد و مضبوط مجلس عسکری و یا دائره محاکمات باضا
و تصدیق شاهانه موثق گردیده بوزیر حربیه اعاده میشود. و وزیر
حربیه ابراسه محاکمه مظنون را یاد دیوان حرب همان قطعه
که بآن منسوب است، و یادریک دیوان حربیکه در مرکز
سلطنت تشکیل داده خواهد شد امر میکند.

۳۹- هرگاه جرم مظنون از نوع جنایت و جرائم مشهوره باشد، بر
جلوگیری مظنون از فرار و یا بعضی ثبوتات دیگر و
که موجب اسقاط دلائل ثبوتیه از درجه حکم و اعتبار گردد و تا
اجرای تحقیقات ابتدائیه بتوقیف عادی و یا انفرادی
ما فوقش امر داده میتواند.

و اگر آوردن همه آن اوراق و دفاتر یکبارگی از ثبوت جرم
باشند، و یا سوق کردن صند و قهائیکه مخصوص حفظ
پولست یکجا با اوراق تحقیقه ممکن نباشد، کافیه این گونه
چیزها از طرف مأمورین تحقیق مهربولاک گردیده در هر حالیکه

در این مورد
تأیید میشود

همان ذات امر و هنده تحقیقات حکم کند حفظ میشوند .

۴۰ — در دیوان حرب محاکمه بصورت ذیل جریان می یابد :-

اول — دیوان حرب در تحت ریاست رئیس خود اجتماع

میکند، در خانه که دیوان حرب در آن اجتماع میابد

شرط است که یک میز و بر بالای آن میز پوش

قماش سبینه رنگ باشد، و رئیس باید یکی از

دو طرف کمر میز نشسته اعضا سه سه شده بر تخته

خودشان برابر بطرف پهن ویتار رئیس خود

حالی که در پیشروی هر کدام یک یک قلم و دووات

و یک مقدار کاغذ سفید برای قید یادداشت

های شان موجود باشد اخذ موقع مینمایند.

کاتب های دیوان حرب در سمت مقابل رئیس

موقع میگیرند، اینک بعد از آنکه بدین صورت دیوان

حرب شکل کند، منظون بحضور دیوان حرب

در آورده میشود، هرگاه جرم از درجه جنایت باشد

و نفر خور و ضابطه تفنگ در حالیکه قطعی یک
 عرب و یا یک برچه در کمر آویخته باشند بر است چپ
 مظنون ایستاده و وظیفه محافظت و بهره دار را
 ایفا نمایند .

در دروازه دیوان عرب یک نفر بهره دار برچه یک
 موجود میباشد، و بدون اجازه رئیس احذیر
 بداخل شدن نمیکند .

دوم - رئیس اسم خود مظنون ، و اسم پدر و مملکت
 و سن و ترتبه ، و تامل و نام و نمبر قطعه او را میبرد
 و این سؤال با جواب ها نیکه مظنون میداد
 کاتب عیناً ضبط و ثبت میگردد، و متصل آن
 بکاتب قرائت اوراق تحقیق که در باره مظنونست
 امر داده میشود، کاتب بعد از آنکه همه اوراق را
 سر تا پا خواند مظنون از حضور دیوان عرب
 بیرون کشیده میشود، و یک خانه که در آن

و نفر خور و ضابطه تفنگ در حالیکه قطعی یک

دوم -

رئیس اسم خود مظنون ، و اسم پدر و مملکت

همچکس نباشد برده میشود، هیئت دیوان حرب
بماوراق تحقیقات ابتدائیه علم آورده بعد از آنکه
قرار میدهند که آیا مبادرت نمودن بمحاکمه ممکن است
یا نه؟ و آیا دلایل جرمیه تماماً در دست است
یا خیر؟ بعد با اگر دیوان حرب در حضور خود بدوام
محاکمه قرار بدین منظور بانشکاربهنور دیوان حرب
جلب گردیده باجای محاکمه آتش آغاز میشود
و منطون از طرف رئیس استجواب میگردد
در اثناک این سؤال جواب پنجگونی از اعضا
در مقابل منطون و شاید با یک سوال جمعی
کرده نمیتوانند، اگر رکنشن گردانیدن تفصیل
دادن بعضی نقطه با لازم بینند از یکساده
بسیار آهسته بریس عرض میدارند، و اثناس
دوام محاکمه در میان اعضا محکمه بصورت
باید تعاملی رمز و کنایات شود، و خارج بحث

پیش یک مکالمه باید نه از طرف رئیس و نه از طرف
اعضا بر پا گردد، حتی پسین غاره کشیدن،
و نان خوردن، و الحاصل پیش یک حرکتی که خلا
هیبت بعینت باشد، پیشو چه مبادرت و رزیده
نشود، بعد از جلب شهود و اتمام معاملات سائر
که در نظامنامه محاکمات جزائیه مصرح گردیده
هرگاه بجزمینت مننون قناعت حاصل شد
نظر بنوعیت و درج جرم یکی از جزائیانیکه در این
(نظامنامه جزائیه عسکری) مندرج گردیده
محکوم میگردد، و حکم بجرم فہانیدہ میشود، این
لازم نیست کہ بہر حال اجرائے محاکمہ در یک
جلسہ تمام پذیر گردد، بلکہ نظر بہ لزوم آن جلسہ
متعدد بجایکہ و دایم و رزیدہ میشود.

سوم - اگر دیوان حرب حکم کند کہ اوراق تحقیقہ بہر جہ
کہ ہنوز قابل اجرائے محاکمہ باشند مکمل نگردد

راشتم

و بلکه به اجراء تحقیقات مزید محتاج است لهذا
یکی از اعضاے خود را مستنطق انتخاب میکند
و اجراء تحقیقات مکتول استنطاقیه را به او
سپارد. مستنطق بعد از اناکمال و طیفه خود
اوراق تحقیقیه ابتداءیه را بایک فذ لکه که بر علیه
مظنون حاوضه بر دلائل ثبوتیه است بریس
تقدیم میکند، و متعاقب آن بطریقیکه در بالا در
فقره (۲) بیان گردید محاکمه جریان میگیرد.
چهارم - مظنون را بعدم اعتقاد خود را در باره اعضا
دپوان حرب بشرط در میان آوردن دلائل ثبوتیه
و قطعیه بیان کرده میتواند در حال وقوع انجمن
یک اذاعا مظنون به بیرون کشیده میشود،
و اعضا نیکه در حق شان رسد عدم اعتقاد
داوه شده نیز موقتاً بیرون میبرایند، اعضا
باقیه و لایسلی را که مظنون بیان کرده است متذقیق

میکند که آیا بدربار کافایت بخش هست
یا خیر! آخر الامر باید و خواهمش مننون قرار
داده اعضائیکه موضوع بحث اند با شکر
بدیوان حرب اذغال گردیده و مننون را دانه
گردانیده بجا که دوام ورزیده میشود و بیا آنکه
در عوض آنها تعیین گردیدن اعضا دیگر
بقوماندان همان قطعند که دیوان حرب بان
منسوب است عرض کرده میشود.

۴۱: — بعد از آنکه از دیوان حرب حکم صادر و مجرم فغانیده شد
دیوان حرب یکت مضبطه مضطه تنظیم میکند و درین مضبطه
اولاً جمیع دلائل که مدار ثبوت جرم باشند بگانه گانه
تعداد کرده میشوند و افا دادست جرم نیز خلاصه ذکر میشوند
و در نتیجه نوشته میشود که از فلان فلان دلائل و امارات
بر ثبوت جرم قناعت حاصل گردید و با فلان نوع جرم
بجریست مجرم قرار داده شد و متعاقباً مجرم موافق بفلان

قاعده نظامه جزای عسکری محکوم گردید بلکه ضرورتاً
که عیناً همان قاعده نظامه جزای عسکری که به حکوم
متعلق است در مضبطه درج گردد.

۴۲: — اگر محکومیت بدرجه جنایت بوده باشد، و مجرم خواه سلاح
انداز باشد، و یا منصبدار، مضبطه دیوان حرب که در حق
اوداده میشود از طرف رئیس دیوان حرب بقومانذانی مرکزی
کابل و یا قومانذانی فرقه تقدیم گردیده از آنجا بوزارت حرب
فرستاده میشود وزیر حربیه مضبطه را (بجای عسکری) و یا دار
محاکمات حوالیه مینماید، و آنجا بعد از تحقیق هرگاه قضاوت
حاصل آید که جریان یافتن محاکمه سرایا با اصول، و نظریه درجه
جرم متحد گردیدن جزا موافق به نظام بعمل آمده. همان است
که مضبطه تصدیق و به وزیر حربیه تقدیم میشود و وزیر حربیه
آنرا با یک تذکره معروضه خود بحضور مبارک شاهانه
عرض میکند. و بعد از آنکه از طرف شاه شرف ملوکانه تصدیق
فرموده شود دوباره بوزارت حربیه اعاده گردیده حکم

و از آنجا بوزارت حربیه

همانجا در معرض اجرا گذاشته میشود. و هرگاه مضبوط
 قیامت بخش دیده نشود، و در اجرای محاکمه بعضی
 نواقص مشاهده افتاد نقطه های جالب تر و دشوار
 با نقطه های نقصان مندر آن در مضبوط که (مجلس عسکری)
 تنظیم و تصحیح گردیده بمعرفت فرماندانی فرقه که دیوان حرب
 بآن منسوب است، و پس بهمان دیوان حرب اعاده میشود
 و در آنجا نقصان واقع اتمام پذیرفته حکمیکه بار دوم اعطا
 گردد با مضبوط مجلس عسکری و همان مضبوط دیوان حرب
 نخستین بجا دو باره بوزارت صریحه تقدیم گردیده و معالفا
 باقیه سابقه بتکرار اجرا پذیر میگردد.

۴۳ — هرگاه جرم از نوع جنحه و محکوم یکی از آمران و یا ارکان باشد
 باز هم مضبوط بوزارت صریحه تقدیم گردیده بعد از تحقیق
 در مجلس عسکری و یا دائره محاکمات بمعرفت وزیر صریحه
 بحضور مبارک شایانہ عرض میشود. و بعد از تصدیق
 اعلیٰ حضرت شهربانی هر حکم که باشد در وزارت صریحه

در مجلس عسکری...

اجرا پذیر میگردد و در صورتیکه نقطه پاسی که تهاجمات در آن خط
 گردد، بموجب فقره اخیر قاعده (۷۲) معائنات میشود.
 ۷۷: اگر جرم از نوع جنحه بوده محکوم از ضابطان یا سلاح اندازان
 باشد، و حداظم محکومیت جس یکسال و یا در باره سلاح
 اندازان متعلق باشد بجزای ضرب از (۱۵۰) چوب
 الی (۸۰) چوب قوماندها به فرقه مضبطه دیوان حرباً
 تصدیق نموده در موقع اجرا میگذارند، و یک نقل مضبطه
 دیوان حرب را بوزارت حربیه تقدیم میکنند، اگر محکومیت
 متعلق بجزای جس از یکسال تا سه سال، و در باره
 ضابطان عاید بجزای موقوفیت رتبه باشد، مضبطه
 دیوان حرب بوزارت حربیه تقدیم میگردد، و وزیر حربیه
 هرگاه مناسب دید آنرا در مجلس عسکری و یا اداره محاکمات
 ترقیقین نماید، و یا هیچ در اینجا با آنرا تصدیق ننموده بالذات
 ترقیق و تصدیق ننماید، فقط براساس اجرای حکم موقوفیت
 که در باره ضابطان صادر گردد لازم است که بابیان

(الفصل فی الجناح)

(مصر)

(نقشه و جزییات)

که در آن سبب موجب آن از حضور مبارک شاهاناجاز
خواسته شود.

حکهای جنه که تصدیق وزیر حربیه رسیده باشند
نزد قطعه که محکوم بدان منسوب است اجرا پذیر میگردد
منصبداران و سلاح اندازان که زیاده از یکسال بزرگ
جس محکوم گردند، بعد از آنکه بموجب قاعده (۱۶) معامله
موقوفیت شان اجرا گردد و با مضبطه که حکم جس شانرا
تا میعاد معین حاویست، و نقل تصدیق نامه وزارت حقه
و صورت اراده سنیه که در باره شان صادر گردیده
یکجا بکوتوالی تسلیم میشوند.

۵۰ — حکهای جنه که از دیوان حرب قوماندانی مرکز کابل
داده میشوند، از طرف قوماندان مرکز تصدیق شده میشوند
درجه این محکومیت هر چه و هر قدر که باشد از بهر تصدیق
به وزارت حربیه تقدیم میشود، و بعد از تصدیق حکم از جانب
قطعه عسکریه که محکوم بآن منسوب است اجرا پذیر میگردد.

۴۶: — هرگاه در شناسی محاربه با دشمن چو میکه آن از کتاب مزیده
 شده فوق العاده جایز اهمیت باشد، و فرماندان آن را رد
 و یا فرقه مستقل در صورتیکه از یک طرف در حال ازوم
 ابراز نمودن یک عبرتیا مؤثره بغایت سریع راجس کند
 و از طرف دیگر وقت و زمان را باستیدان اجازت طلبیدن
 از وزارت حربیه مساعد نمایند، همان است که مسئولیت مضبوطه
 حکمها را که در باره جنایت از دیوان حربیه صادر
 میگردد، در عهده خود گرفته و تعدیق و اجرا را
 آن ناذون است، مگر بعد از اجراء کیفیت را با یک نقل
 مضبوطه لغا، و ذکر نمودن اسباب موجب آنکه بجا و جتنا
 خود را ایجاب نموده است تفصیلاً به وزارت حربیه باطلاع
 دادن مجبور است.

۴۷: — هرگاه حکمها نیکه از دیوان حربیه صادر میشوند مخالف بر
 وقناعت ذاتی دیده شود که مجرم را با دیوان حربیه تودیع
 نموده است با بیان کردن اسباب موجب آن از طرف

از اشخاص و کلمات
 و کلمات و اشخاص

همان است مضبوطه با لشکر اردیوان حرب اعدا میشود فقط
 اگر دیوان حرب بر حکم سابق خود اصرار نماید تو ماندان نکو اگر
 در دایره اختیار است و صلاحیتش باشد حکم را تصدیق کند
 و یا آنکه براساس تدقیق یافتن در مجلس عسکری در صورتیکه خود
 آرزو کند، و یا از درجه صلاحیتش بالاتر باشد تقدیم کردن آن
 بوزارت حربینه مجبوست.

۴۸: ————— محاکمه ضابطان و سلاح اندازان کو توالی و پولیس بموجب
 ضمیمه (۲۸) حوت ۱۳۰۲ تشکیلات اساسیه مطابق
 فصل سوم تشکیلات اساسیه بحاکم مأمورین ملکی و ارضیه
 ۴۹: ————— در صورتیکه موافق نظامنامه مخصوص دولت در یک محل
 حکومت عسکری اعلان گردد، محاکمه کسانی که خواه از رعایا
 و نظامی باخلال و برهم زدن امنیت خارجه و داخلی
 افغانستان تشبث و رزندی یا کسانی که بمقررات حکومت
 عسکری مخالفت کنند، در یک دیوان حربیکه بامر حکومت
 عسکری منسوب است و بصورت مخصوص تشکیل گردد.

باب دوم احکام جزائیه فصل اول

(جنایت وطنیه و جاسوسی)

۵۳: — هرگاه کینه نظامی افغانستان با دشمن متفق گردیده باشد

افغانستان استعمال سلاح نماید [اعدام]

۵۴: — هرگاه یکی از تبعه دشمن در اثنای محاربه از طرف افغان

اسیر گردیده و بعد از آنکه بر بیطرف ماندنش از هر گونه اقدامات

و تشنات در حق افغانستان بناموس خود قول و سوگند

نموده مملکتش را داده شود، و باز نقض عهد نموده بالتکرار

بر علیه افغانستان در محاربه شرکت کرد، و بار دیگر

شود [اعدام]

۵۵: — هرگاه کینه نظامی افغانستان، قوت یا ترقی با وضع

ابحیثی قطعه عسکریر که بدان منسوب است، یا پلانیهای یکی

عبدالله خان صاحب

از قلعه باس افغان، و یا آنکه محل و مقدار اسلحه و جباخا
و از اقله برای اداره عسکر جمع و از خار گردیده، و یا خود
نام شب و یا دیگر اسرار عسکریه را بر راه راست و یا بواسطه
بشمن معلوم و اشعار نماید [اعدام]

۵۶: هرگاه که میفر نظامی افغان برای ترویج مقاصد دشمن
با او مخایره نماید [اعدام]

۵۷: هرگاه بعضی از افراد نظامی یک قلعه افغانی و صورتیکه
از طرف دشمن محاصره دوچار گردیده باشند، در میان خود
مشفقاً پنهان مذاکرات تشبث و رزند که قوماندهان قلعه را
بیتیم شدن بدشمن اجبار و تکلیف نمایند [اعدام]

۵۸: هرگاه یکی از تبعه افغانستان و یا از تبعه اجنبی بغرض
استحصال معلومات برای دشمن یک قلعه و یا
و یا خود در یک اداره خانه عسکریه، و یا یک فابریکه و یا
در اردوگاه یا منزل جایی که کشاده و خیمه دار دارد
افغانی داخل شود [اعدام]

۵۹: — عسکر افغانی را در مقابل دشمن و یا اشقیای مسلح بفرار تشویق

دادن و یا از جمع آوری منع کردن [اعدام]

۶۰: — از چنان وسایط و تدابیریکه به اجراء حرکات عسکری آرد

مانع شده تواند، و یا امنیت یکقطعه و یا قراولخانه و یا دیگر

انبیه را را در تهلکه و خطر اندازد، دشمن را خبر گردانیدن [اعلام]

۶۱: — موقعی را که برآورد و کینگاه انتخاب گردیده

باشد بدشمن نشان دادن [اعدام]

۶۲: — جاسوس های دشمن و عسکری دشمن را که بغرض کشف

آمده باشند دیده و دانسته پنهان کردن یا نگاه داشتن [اعدام]

۶۳: — عسکر افغانستان را بطرف دشمن بفرار تشویق نمودن،

و یا کسانیکه میخواهند بطرف دشمن فرار کنند، در راه قرار

شان تسهیلات بهم رسانیدن و یا بمنفعت دشمن عسکر

جمع کردن [اعدام]



فصل دوم

(مخالفت بفرایض عسکریه)

۱۶۹ — هرگاه یک قلعه افغانی از طرف دشمن در زیر محاصره

گرفته شده باشد، و منصبدار محظوظ آن پیش از آنکه

بنمودن کافه وسایط ملاحظه که در دست دارد و بلا احوال

همه ایجابات فریضه دست و ناموس خود بر خلاف دشمن

با او صلح نموده قلعه را تسلیم نماید [اعلام]

۱۷۰ — هرگاه یک فرماندانی که بداره یک قسم از دوی فغانی

در محاربه صحرا نامور و معتبر باشد، با وجودیکه ایجابات فریضه

ناموس خود را کاملاً بجا آورد، ولیکن در دائره شرایط مصداق

که با دشمن عقد میکند موجب تسلیم سلاح عسکر معیت خویش

بشمن گردد [اعلام]

۱۷۱ — هرگاه شرایط مصداق فرماندانی که در قاعده فوق بیان

موجب تسلیم سلاح او نگردیده، تنها به عقب کشیدن او

نتیج گردد . [طرز اسکت عسکری]

۶۷- هرگاه کدام نفر نظامی که پیراهن خود را ترک کند،
اول- اگر در مقابل دشمن و یا باغیان مسلح باشد

[اعدام]

دوم- اگر در حال حاضر باشد در باره منصب ازان،

[از پانزده روز تا چهل روز حبس]

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب

الی ۴۰ چوب ضرب]

۶۸- هر نفر نظامی که در اثنا پیراهن بخواب رود،

اول- در مقابل دشمن و اشقیای مسلح [از یک سال

تا دو سال حبس]

دوم- در وقت حاضر [از پانزده روز الی چهل روز

حبس]

۶۹- هر نفر نظامی که موقع خدمت مأموره خود را ترک کند،

اول- در مقابل دشمن و اشقیای مسلح [اعدام]

دوم - در وقت حضر در باره منصبداران [از شش ماه

تا یک سال حبس]

در حق سلاح اندازان [از سه ماه تا شش ماه

حبس]

۷۰ - هر نفر نظامی که در وقت نواختن طرم جمع و یا شجوخن محل

اجتماع نیاید:

در باره منصبداران [طرد از سلاک عسکری]

در حق سلاح اندازان [از بیست و نه تا هشتاد و پنج

جزای ضرب]

عذر

۷۱ - هر نفر نظامی که بعضویت دیوان حرب مأمور بوده بلا

معقول آزا قبول نکند:

در حق منصبداران [از یک ماه تا سه ماه حبس]

در حق خود رضا بطلان [از پانزده روز تا چهل و پنج روز

حبس ریاضت]

۷۲ - هرگاه منصبدار یک بعضویت دیوان حرب معین بوده:

رابطه جنسی عسکری در راه راه

با وجود دیدن جزای فوق هم تا موریتنه خود دوام نور زد

[طرد از سلاطین عسکری]

* *

*

استغفار و توبه

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل ششم

(عدم اطاعت و عصیان مقاوت)

۷۳- هرگاه لا اقل چهار نفر نظامی در حالیکه اسلحه‌شان بدست

بوده عصیان کنند، و بامر نخستین که از طرف مافوق

شان داده شده باشد اقتناع و رزند [اعدام]

اگر عصیان کنندگان اسلحه خود را برداشته برخلاف

امر نصیداران خود حرکت کنند [اعدام]

اگر عصیان کنندگان مسلح، اقل هشت نفر یکجا بوده بغرض

نشنیدن صداسی ما فوق خود و شمشیر و غوغا کنند

و بعضیان دوام و رزند [اعدام]

با وجود آن این جزای اعدام سه باره مشوقین محکین

عصیان جمیع منصبدارانیکه در عصیان شامل باشند

نیز حکم میشود.

و در باره سلاح اندازان [از شش ماه تا یکسال حبس]

فصل ششم

در عقوبات و جزایان

۷۴: — کسانی که از فرستادن در مقابل دشمن، و یا خود از رفتن بیک
خدیجه از طرف مافوقش با و امر شده باشد با وجود اصرار
اقتناع ورزند:

اول — در مقابل دشمن و یا اشقیای مسلح [اعدام]
دوم — در حال حضور در باره منصبداران [از سلاک]
عسکری طرود و از یکجا تا سه ماه حبس]
و در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب
تا شصت چوب ضرب، و از چهل و پنج چوب و زتا
سه ماه جزا سکه حبس]

۷۵: — در مقابل هر دار آمدن و به امر (دریژ) پسر دار
اطاعت نمودن:

اول — در مقابل دشمن با سلاح مقابل گردیدن [اعدام]
دوم — در حال ضرب سلاح در مقابل پسر دار
آمدن، در باره منصبداران [از سلاک]
عسکری طرود و از سه ماه تا یک سال حبس]

و براس سلاح اندازان [از سه ماه تا یک سال حبس]
۷۶ — بسخن و یا اشاره دست و سایر اعضا و یا بالفاظ تهیث
و تحویف بهره دار را تحقیر نمودن .

در باره منصبداران [از بیست و چهار ساعت تا سه ماه
حبس]

و براس سلاح اندازان [از پانزده چوب الی چهل
چوب جزای ضرب]
۷۷ — اگر یک سپاهی برخلاف اصولیکه در نظامنامه خدمات
داخلی تصریح شده بیک منصبدار کلان خود بی رعایت
سلسله مراتب برآه دست عرض و شکایت کند
[پانزده چوب ضرب]

هرگاه یک منصبدار بر این صورت عرض و شکایت نماید
[یک هفته حبس]

هرگاه یک چند نفر سپاهی مجتمعاً یکجا شده بلا رعایت
سلسله مراتب برآه دست بیک منصبدار کلان عرض

(المنظومه)

و شکایت نمایند، مشوقین شان [پانزده
چوب ضرب و سی روز حبس ریاضت]
و باقی نفری شان هر کدام [پانزده چوب ضرب
و یک هفته حبس ریاضت]

* *

*

فصل پنجم

(مافوق راضرب و تحقیر نمودن)

۷۸ — در اثنای خدمات عسکریه مافوق خود راضرب نمودن :-

اول - هرگاه پنجین یک معامله ضرب در تحت سلاح

یعنی در اثنای تعلیم و مانوره و یا در حال حرب

داخل یک قطعه مساحت عسکریه بوقوع آید [اعدام]

دوم - هرگاه در تحت سلاح نبوده بعمل آید [از یکسال تا سه

سال حبس]

۷۹ — هرگاه در خارج خدمات عسکریه ، از سبب خدمات

عسکریه معامله ضرب مافوق بوقوع آید [از یکسال

تا سه سال حبس]

۸۰ — هرگاه در خارج خدمات عسکریه و بدون خدمات عسکریه

از کدام سبب دیگر ضرب مافوق بوقوع پذیرد [در باب

منصبه اران علاوه بر طرد از ساکن عسکره ، از سه تا

خارج عسکره در خارج عسکره

تایکسال حبس]

و برای سلاح اندازان [از چهل چوب تا هشتاد چوب

ضرب، و از شش ماه تا یکسال حبس]

۸۱- در اثنا بر خدمات عسکریه برافوق خود تشهیر سلاح نمودن

یعنی سلاح کشیدن:

در باره منصبداران [از سه سال تا ده سال حبس]

و برای سلاح اندازان [از دو سال تا پنج سال حبس]

۸۲- خارج خدمات عسکریه از هر سببی که باشد برافوق خود

تشهیر سلاح نمودن

در باره منصبداران [علاوه بر طرد از سلاک عسکر،

از سه ماه تا یکسال حبس]

و برای سلاح اندازان [از بیست چوب الی چهل چوب

ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۸۳- در اثنا بر خدمات عسکریه و یا خارج آن بر ماتحت خود

تشهیر سلاح نمودن [از یک ماه تا سه سال حبس]

(تشهیر سلاح نمودن)

در باره منصبداران و سلاح اندازان

۸۴: در اثنا سبب خدمات عسکریه و خارج آن بر هر مرتبه خود

سلاح کشیده و او را ضرب نمودن :

در باره منصبداران [از دو ماه تا یک سال حبس]

برای سلاح اندازان [از یک ماه تا چهار ماه حبس]

اگر در اثنا سبب ضرب جرح بوقوع آید، حکم آن بقصد

تمتک القضاة الالمانیه اجرا میشود .

۸۵: در اثنا سبب خدمات عسکریه و یا بسبب خدمات عسکریه

ما فوق خود را بسخن و یا اشاره دست یا دیگر اعضا و یا بکلامی

که بطرز تحویف باشد و دشنام نمودن :

در باره منصبداران [علاوه بر طرد از سلک عسکر]

از سه ماه تا یک سال حبس]

و برای سلاح اندازان [از بیست چوب الی شصت

چوب ضرب . و از سه ماه تا یک سال حبس]

۸۶: اگر جرم سب و دشنام که در قاعده فوق بیان گردید

خارج خدمات عسکریه و بی سبب خدمات

عسکریتہ بعث آید :

دربارہ منصبہ ایران [از سہ ماہ تا یک سال جبر]

و برائے سلاح اندازان [از یک ماہ تا سہ ماہ جبر]

* *

*

فصل پنجم

(نفوذ ما موریت را استعمال بجا نمود)

۸۷: — هرگاه یک قوماندهان عسکر، بر بلا سبب تبه و یا عسکر

یک دولت متفق و یا بیطرف بلا سبب بلا امر

و بلا ماذونیت مستحق هجوم برد [اعدام]

۸۸: — پنهان اگر بر اراضی و حدود یک دولت بیطرفی یا متفق

بلا سبب و بلا امر و بلا ماذونیت یک رقم اوضاع و حرکات

خصمانه را اجرا کند [طرد از سبک عسکری]

۸۹: — هرگاه یک قوماندهان عسکری، بعد از گرفتن خبر رسمی

متارکه و مصاحبه هم بلا سبب بحركات خصمانه دوام

ورزد [اعدام]

۹۰: — بلا امر و بلا سبب مشروع قومانده یک قطعه عسکری را

در عهد گرفتن و یا ترک نکردن یک قومانده که از طرف

ما فوق امر به ترک آن صادر گردیده باشد [اعدام]

النفوذ ما موریت

۹۱: — هرگاه يك منصب دارا فوق در حق ماتحت خود، بلا سبب

معقول امضرب بدهد، و يا آن امضرب را بالذات

بدست خود ايجرا نمايد [از دو ماه تا يك سال حبس]

و هرگاه ضرب مادون براس مدافعه مشرعه عن النفس

و يا مدافعه مشرعه عن الغير، و يا سد و جلوگيرى فساد

و يا تسكين تاراج و يغا بعمل آيد، مافوق از جزا قطعاً

معاف است.



فصل ششم

(گریختن)

۹۲ — فرار عبارت است از جدا شدن بلا اذن اجازت

یک نفر نظامی از موقع خدمت و عسکری خود، و یا از همان
قطعه عسکری که بآن منسوب است.

۹۳ — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه تنها بطرف دشمن

فرار کند [اعدام]

۹۴ — اگر یک چند نفر نظامی یکجا شده در اثنای محاربه بطرف

دشمن متفقاً فرار نمایند، همگی شان [اعدام]

۹۵ — هرگاه یک نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن

بداخل فغانستان فرار کند [از ده سال تا پانزده

سال حبس]

۹۶ — اگر یک چند نفر نظامی در اثنای محاربه از مقابل دشمن

بداخل فغانستان متفقاً فرار کنند، همگی شان [اعدام]

الفصل السادس

فرار در محاربه

۹۷: — اگر یک نفر نظامی مختار در وقت صلح بلا اجازت

از افغانستان بیک مملکت اجنبی برود:

در باره منصبداران [در سکت عسکری طرد و از نگاه

تاششماه حبس]

و برای سلاح اندازان [از چهل چوب الی ششاد

چوب ضرب، و از نگاه تاششماه حبس]

۹۸: — هرگاه یک سلاح انداز قطعه منسوبه خود را بلا اذن ترک

نموده، و فردا که همان روز را دنا نمودت نکند

[از بیست چوب الی چهل چوب ضرب]

۹۹: — هرگاه یک نفر سلاح انداز نظامی قطعه منسوبه شازرا

بلا اذن متفقاً ترک نموده، فردا که همان روز را دنا نمودت

نمایند، سرغنه شان [از چهل چوب الی شصت

چوب ضرب]

و باقی شان [از بیست چوب الی چهل چوب ضرب]

اگر در میان شان منصبدار باشد [از یک هفت

خواب عسکری در هزار گانه حاکمیت

تایکماه حبس]

اگر اضافه از یک هفته واپس نیاید [از و ماه تا سه ماه

حبس]

اگر اینچنین در تحقق آن در وقت حضار افعال تابان یک

ملکت خارج بوقوع آید سرکردگان و مشوقین آن [اعلام]

بقیه شان [هشتاد و پنج ضرب، و از یک سال تا سه

سال حبس]

و اگر درین شان منصبدار باشد [از ده سال الی

پانزده سال حبس]

۱۰۰ — هرگاه یک منصبدار بلاخصت زیاده از شش روز

بقطعه که آن بنوب، و یا خدمتیکه بران مأمور است نیاید

و یا آنکه مدت نخستش پانزده روز بگذرد [از یکماه

تا ششماه حبس]

اگر درین حال در اثنا سفر بری بوقوع آید از سلب

عسکری طرد، و از ششماه تا یکسال حبس]

فصل هفتم

(اشیای عسکریه را فروخته و پنهان کردن)

(و اگر نمودن، و خرید و اگر گرفتن چیزها)

(فروخته شده و زود شده دانسته)

(اطلاع ندان)

۱۰۱ — اگر یک نفر نظامی است و یا از اسلحه و جبهه خانه و یا یکی از تجهیزات

عسکریه سرکاری از قبیل کمر بند و قبا و خنجر و پست و خیمه و غیره

بفروشد [اشیای فروخته شده از کسی که خرید است]

و پس گرفته میشود، اگر استرداد آن ممکن نباشد قیمتش از وی

بقسمت او ان گرفته میشود، و همان نفر نظامی که

اشیای را فروخته است، از شش ماه تا یک سال حبس

۱۰۲ — کسی که دانسته اشیای عسکریه سرکاری را بخرد، و کسی که

فروخته شدن اشیای عسکریه سرکاری را دیده و پنهان

کند هر کسی که باشد [از دو ماه تا یک سال حبس]

(اشیای عسکریه را فروخته و پنهان کردن)

۱۰۳: از قسم البسه و کالاد بوت، و از همین قبیل اشیای عسکریه

سرکار را فسر و ختن [از پانزده چوب الی چهل چوب

ضرب]

۱۰۴: کسیکه دانسته اینگونه چیزها را بخرد، و یا فروخته شدن

آنها دانسته پنهان کند و

در باره سلاح اندازان [از پانزده چوب الی

چهل چوب ضرب]

و در باره منصبه اران و یا یکی از رعایا [از پانزده روز

تا چهل و پنج روز حبس]

۱۰۵: جبه خانه و اسلحه و البسه و سایر اشیای که برای

خدمت عسکریه داده شده باشد بیک طرفه

پنهان کردن؛

در باره منصبه اران [از چهار ماه تا یک سال حبس]

برای سلاح اندازان [از پانزده چوب الی چهل

چوب ضرب، و از یک ماه تا سه ماه حبس]

جزای حبس و جزای نقد

(اشغال جنگی)

۱۰۶- از البسه و اشیای سائر که از طرف دولت برا

خدمت عسکری داده شده باشند گرو نمودن :

در باره منصبداران [از یکاه تا چهل و پنجروز حبس]

و برای سلاح اندازان [از پانزده چوب تا چهل

چوب ضرب]

اگر اسلحه را گرو نمایند برای منصبداران [از سه ماه

تا ششماه حبس]

برای سلاح اندازان [از چهل چوب تا شصت

چوب ضرب]

۱۰۷- کسانی که اینگونه اشیاء را گرو بگیرند در باره سلاح

اندازان [از پانزده چوب الی چهل چوب ضرب]

و برای رعایا و منصبداران [از ده روز الی

یکماه حبس]

*

*

*

جناحه عسکری در باره اشغال جنگی

فصل هشتم

(سرقه اشیا و اموال عسکر)

۱۰۸ — هرگاه یک تحویلدار و یا کینف نظامی که با دارة محافظه

پول و ذخیره مخصوص اداره عسکری و بحاسبه

هر نوع اسباب و نقود عسکری نظامی مأثور بوده از

میان آن یک مقدار را بدزد [بعد از تاوان] از

سه سال تا ده سال حبس]

هرگاه قیمت آن زیاده تر از پنجاه هزار روپیه باشد

و یا مال مسروقه عبارت از اسلحه و جواهر باشد [اعلم]

۱۰۹ — اگر دزدان مورد اداره و بحاسبه اشیا و نقود یک در قاعده

فوق ذکر شده نباشد [بعد از تاوان] از یک سال

تا سه سال حبس]

اموال اشیا و عسکریه تحویلی خود را براسه منافع

شخصیه خود تجارت و استعمال نمودن [از سه سال تا چهار سال]

اشیا و اموال عسکر

مهراس عسکر و هرگاه که اسیر شد

۱۱۰ — درختی از نمای جهان گردیده، یکی از اسبابهای

خانه صاحب خانه انجمن گرفتن.

در باره منصبداران [از سلسله عسکری طرد، و از

یکسال تا سه سال حبس]

بهای سلاح اندازان [از بیت چوب الی شصت

چوب ضرب، و از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۱۱ — در هر جا و هر موقع که باشد هرگاه یک منصبدار یکی از

اسباب و یا نقود دیگر رفقای خود، و یا از سلاح

اندازان را بدزد [بعد از تاوان از سلسله عسکری

طرد میشود، و براس جزای دزدی بجزای عدلیه

سپرده میشود]

۱۱۲ — پنجاه سال سلاح اندازانیکه اشیاء و نقود منصبداران را

بدزد [بعد از ادا اقسام تاوان از سه ماه الی ششماه

حبس، و براس جزای دزدی بنظر ملاحظه]

عمومی محکوم میشود]

در اسباب و یا از سلاح اندازان

فصل نهم

(تاخت و تاراج)

۱۱۵ — بصورت مسلح و غیر مسلح مجتمعاً و علناً دیوارها و دروازه‌ها را

شکستاده و مردم را زیر جبر و تشدد گرفته . کدام

دارزاق و امانده و اشیا را یغما و تاراج نمود [اعدام]

۱۱۶ — اگر در میانه یغماگران یک و یا چند نفر مشوق و یا منصبدار

باشند [تنها مشوق و منصبدار] [اعدام]

باقی [از کمال تا ده سال حبس]

۱۱۷ — بناهای عسکریه و استحکامات ، و فابریقه های

عسکریه را قصد آتش زدن ، و با بنقشب پرا اندین

[اعدام]

۱۱۸ — اگر فعلی نظیر به بصورت آتش زدن نقب پرا اندین

بوقوع نیاید و با استعمال بعضی آلات مخصوص دیگر

واقع شود [اعدام]

۱۱۹: — اسباب مدافعه و مهیات حربیه و کلام وجباتخانه و مخربهای

مهرگونه لوازمات عسکریه دولت را تخریب نمودن:

اول — در مقابل دشمن در اثنای جنگ [اعدام]

دوم — در وقت حضر [از یکسال تا سه سال حبس]

۱۲۰: — اسلحه و تجهیزات و لوازم عسکریه سرکاری که برای خدمات

عسکریه، برای خودش و سایر نفری نظامی داده شده

باشد، قصد تخریب نمودن، و یا خود حیوانات سواری

و بار برداری که در خدمات عسکریه از آنها کار گرفته میشود

قصد سقط و تلف کردن:

در باره منصبداران [بعد از تاوان از سلب عسکریت]

و از ششماه تا یکسال حبس]

در باره سلاح اندازان [بعد از تاوان از سهماه تا ششماه حبس]

۱۲۱: — مسوده یا و یا کتابهاییکه بمقت نظامی متعلق باشند، و یا مضبوطه

باینکه احکام دیوان حرب یا لوازم باشند، با متعلقان قصد

خراب کردن و یا سوختاندن یا محو نمودن [از یکسال تا پنجسال حبس]

فصل دهم

(ساخته کار نمودن در اداره عسکریه)

۱۲۲: — در دفترهای برآورده خواه زیاده از موجود عدد و عسکر و حیوان

و در دفترهای خرج زیاده از صرفیات و اقعه اخراجاترا

تشان دادن [از سه سال تا ده سال حسب]

۱۲۳: — مبروسندات و اوراق و دفاتر یک بخدات عسکریه

متعلق باشند تقلید کردن [از سه سال تا پنج سال حسب]

۱۲۴: — مبر برسی را که بدستش بیاید، برای اینکه موجب ضرر

دولت و یا عسکر معیت او گردد، پنهانی استعمال کردن

[از پنج سال تا ده سال حسب]

اگر اندازه ضرر زیاده از پنجاه هزار روپیه باشد [اعدام]

*

*

*

(در دفترهای برآورده خواه زیاده از موجود عدد و عسکر و حیوان و در دفترهای خرج زیاده از صرفیات و اقعه اخراجاترا نشان دادن [از سه سال تا ده سال حسب])

فصل فی بیان درجه

(بنی استقامتی ارتکاب)

۱۲۵- از مسوین نظام برای راشی و مرتشی بر طبق نظامنا

جزای عمومی جزا تحذیر میشود، مگر منصبدار مرتشی یعنی رشوت خور بهمه حال از سلسله عسکری طرد میگردد.

۱۲۶- هرگاه یک طبیب نظامی بدرون بیماری موجود کفر

عسکری را که بعاینه اش معین گردیده پنهان و یا یک بیماری ناموجودی را به او اسناد نماید [از شهباه تا یکسال حبس]

اگر بنا بر رشوت مرتکب این جرم گردیده باشد [علاوة بجزانیکه در حق مرتشی است نیز محکوم میگردد]

۱۲۷- جیره مقرری را که براس عسکر مخصوص است نقصان

و تبدیل نمودن، و یا به تبدیل آن مساعد دادن، و دانسته جیره تبدیل و نقصان یافته را بعسکر توزیع کردن

و افیون و مخون،

یکشنبه و یا بخورند،

بموجب نظامنامه

وجه بدل عسکر

این سلاح اندازان

د از نزدشان گرفته

[بموجب نظامنامه]

ند

و اجمال در زند

ب آمرشان داده

یکه بخلاف

ان کشده

اح اندازان برآیند

شند که شبایان

برای عسکری نظام خان ۵۵ از کافه

و یا توزیع کنانیدن :

در باره منصبه اران علاوه بر طرد از سلک عسکری [از

سه ماه تا یک سال حبس]

برائے سلاح اندازان [از شش ماه تا دو سال حبس]

۱۲۸: — دانسته گوشت حیواناتی را که به امراض و علقتهای

ساریه مبتلا میباشند، بغرض سوء قصد بجهت تقسیم

و یا تقسیم کنانیدن و دانسته ذخیره و ارزاق کننده

و بوسیده و بدبو را بجهت داون :

برای منصبه اران [علاوه بر طرد از سلک عسکری از

سه ماه تا یک سال حبس]

برای سلاح اندازان [از شش ماه تا دو سال حبس]

* *



و یا توزیع کنانیدن

جهت عسکری

فصل در نظام

(فصل شصت و یک حرکات بازیابی نخل شان نمون عسکری)

۱۲۹ — هرگاه فاعل مفعول برود و از منسوبین نظامی بوده، ضیا

و موافقت جانین فعل شفع میدان بیاید [اعدام]

۱۳۰ — جبر اجرا کردن فعل شفع بایکی از سلاح اندازان

جابر [اعدام]

و مجبور اگر از منصبه اران باشد [معاف از خدمت عسکری]

۱۳۱ — بایکی از سلاح اندازان در تشبث اجرای جبر فعل

شفع بوده از ناکامی و حلول بعضی اسباب لغو غیر اختیا

بمقصد خود نایل نگردیدن

برای منصبه اران [از سلاک عسکری طرود از کیمال

تاسه سال پس]

و برای سلاح اندازان [از یکسال تا سه سال حبس]

۱۳۲ — از نظرها نظامی کسیکه شراب بنموزند و یا قمار

بخوان عسکری

بخوان عسکری

بازی کنند، و یا مانند چرس و بنگ، و افیون و معجون،
 و اشیای نشه آور را بنوشند و بکشند و یا بخورند،
 عموماً از سلک عسکری طرد، و بعد با موجب نظامنامه
 جزای عمومی جزا خواهند دید، و وجه بدل عسکر
 با ایام ملازمت و باقی موعده عسکری این سلاح اندازان
 مطروحه تقسیم گردیده حصه ایام باقی موعده از نزدشان گرفته
 و حواله میشود.

۱۳۳ — نفیضها — نظامیکه بازنگری کنند [بموجب نظامنامه]
 جزای عمومی جزای خود را می بینند

۱۳۴ — کسانیکه در ایفای وظیفه خودشان غفلت و اهمال ورزند،
 و در اجرا هرگونه اوامر که از طرف آمرشان داده
 میشود مسارعت نمایند، و منصبدارانیکه بخلاف
 حیثیت رتبه خود، سینه و گریبان شان کشاده
 و باقیافت غیر مستطیم بوده، بمضو سلاح اندازان برآید
 و یا پنهان و ضایع لاابالیا نه گرفتار باشند که شبایان

جزای عسکری نظام خان و هزار کاغذ

سپاهی گری و منصب داری نباشد، و یا منصب دارانیکه
بر ماتحت های خود انفاذ اوامر نموده نتوانند، از طرف
منصب داران مافوق خود در امر صلاحیت شان از دست
و چار ساعت الی چهل و پنج روز بجز اسب نظر بند می یابند
ریاضت مجازات میشوند]

فقط کسانی که با وجود دو چار شدن مکرر یا نیکونه مجازات خفیفه
هم اصلاح حال ننموده در صورتیکه بدیوان حرب سپرد
شوند، از طرف دیوان حرب در باره شان جزای
[طرز اسلک عسکری] صادر میشود.

هرگاه در جمله خور و ضابطان و یادگه مشران نیز پنجمین
اشخاص باشند، بالاستیذان از طرف وزیر حرب
جزای وضع رتبه در باره شان امر کرده میشود



(اشخاص در میان مشران)

فصل سیزدهم

(توابع جزائیه که متعلق به اطباء و جراحان و عطاران است)

۱۳۵ — طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سوء قصد، به بیمار
دواي مخالف داده موجب موت و وفات مريض
گردند [اعدام]

۱۳۶ — اینچنین يك دواي مخالفیکه بنا بر سوء قصد داده
شده باشد، هر چند که موجب موت و هلاک مريض
نگردیده باعث شدت بیماری و مرض شود؛
طبیب و یا جراح و یا عطار [علاوه بر طرد از ملک
عسکری، براسی اینکۀ آینده در هیچ جا اجراي
صنعت کرده نتوانند، شهادتنامه شان ضبط میشود
و از سه سال الی پنج سال حبس]

۱۳۷ — طبیبان و یا جراحان و عطارانیکه سهواً بر مريض دواي
مخالف داده، و یا بجهل حال و فریضه

ناموریت خود با غفلت اہمال نموده این سہو و اہمال شان
موجب موت مریض گردد [معاذہ برطر دار سگد عسکری
بلکہ اینکہ آئندہ در پیچ جا اجلاس صنعت کردہ تواند
شہادت نامہ شان ضبط بشود، و دہزار روپیہ جزا
نقدے]

۱۳۸: — اگر ازین سہو و اہمال مریض وفات نیافتہ بلکہ موجب
شدت بیماریش گردد [ازیکماہ تا یکسال حبس]

*

*



عبدالعزیز خرمی عسکری مصنف رفاقت

ضمائم باقیه نظامنامه خراسانی

۱۳۹- اسلحه و غیره لوازمات عسکریه که اصلاً سارق آن معلوم نشود، و اطمینان مفقودی آن حاصل گردد، در صورتیکه بدلائل واضحی قناعت مطلقه حاصل گردد که خود او اموال تحویلی خود را بجا نکرده و بکسی نفروخته و سارقان نیز مطلقاً معلوم نشود بقراردیل تعیل میشود.

در حالت حضر

الف نسبت بمصادر آلات ناریه

اول- تناوان تفنگ جاغور دار

(۱۰) تکه سرپوش دار انگریزی فی میل یکم از افغانی

جاغور دار رقبهای ایطالوی و فرانسوی

و روسی هر رقی که باشد فی میل هفت از افغانی

حکیت تفنگ از هر رقی که باشد شصت تفنگ

برای اسلحه

تفاوت اسلحه خراسانی و سایر اسلحه

واز تفنگچه آتش نشان فی میل بخصدروپیه . واز
تفنگ بغل پروناونی انگیزی بخصدروپیه
وناونی کابلی سه صدروپیه و تفنگچه غیرموند
سه صدروپیه .

دوم - مصادره کارطوس تفنگ سه رقم
فی دانه دوروپیه واز تفنگچه
فی دانه یکروپیه .

ب - نسبت بمصادره آلات جارجه

مصادره کنج و صربه و سیاه و ده علی العموم فی قبضه
هشتادروپیه - برچه میست و پنجره وپیه

ج - نسبت بمصادره تجهیزات سائر لوازم عسکریه
نظربه قیمت موجوده هرشی بر دو مصادره گرفته میشود
کسانیکه مستعداندیه چنین مصادراتیکه در بالا
ذکر یافته دیده نشوند پس از امتحان ذاسناد معتبره

که بنا داریش قناعت حاصل کرد و بعضی بر کعبه

روپیہ جزائی سه ماه حبس رامی بیند .

در حالت سفر بری

علی العموم جزای نقدی اینچنین مصداق است که در

حالت حضر تفصیل داده شده بحسب تحویل میشود .

۱۴۰ — منصب دارانی که سلاح اندازان و سایر نظامیان تحت

خود را با استثنای اردلیان خود شان بخدمت شخصی خود

یک شخص و یا چندی از عسکری را مکلف نموده اجرا

کار میدارند در روز تخواه همان نفری بطور جزا از نزد

منصب دار گرفته میشود .

۱۴۱ — سلاح اندازانی که قطعه منسوبه خود را ترک نمایند

چند روزه غیر حاضر میشوند، در مقابل هر روز یک

ضرب چوب و بمقابل هر سه روز یکروز حبس میشوند؛

علاوه بر آن ایام غیر حاضری شان بر اصل میعاد

اینچنین اشخاص ایزاد میشود .

نکته

۱۴۲ — سلاح اندازانیکه بطور رخصتی بخانه خودشان میروند
 و از موعد رخصتی خود با زیاده میگذرانند، در صورت
 عذر معقول از جزا معاف و از تنخواه همان روز با محروم
 و علاوه بر آن مدت غیر حاضری شان برآید
 میعاد خدمت شان افزود و دیگر دو و اگر عذر معقول
 در میان دیده نشود بقراریکه در همین ماده (۱۴۲)
 ضمیمه جزای عسکری نشان داده شده است
 جزای میبایستند.

۱۴۳ — سلاح اندازانیکه در حین تعلیم و نوکری با سلاح غیر
 حاضر میشوند در مقابل هر یک روز دو ضرب چوب
 و دو روز حبس جزا داده میشوند و اگر با تجهیزات عسکر
 غیر حاضر شوند در مقابل هر دو روز یک روز حبس و سه ضرب
 چوب مجاز است داده میشوند.

۱۴۴ — مجاز است قاعده (۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳) فوق الذکر
 که در باره غیر حاضران عسکری وضع گردیده تا اندازه

که بروفق ماده (۲۷) نظاً مناسه هذا بامرة اختیارات
منصبداران عسکری است از طرف آنها اجرا میشود علاوه
بر آن خواه جزای ضرب یا حبس اضافه از اندازه اختیار
شان باشد بالحا که اجرا میشود .

۱۴۵ — جزای ضرب که در قواعد فوق تصریح یافته اگر تعدد ضرب
علاوه از (۸۰) ضرب لازم شود ملحوظ حکم ماده (۱۷)
نظاً مناسه هذا کرده میشود تا (۸۰) ضرب چوب در محل
اجراء علاوه آن هر قسد باشد بجهت تحویل گردیده در مقابل
هر یک چوب چهار روز در اصل میعاد خدش افزود
میگردد .

جرم های ذیل جرم هایست از نوع قباحت که از
منسوبین عسکریه صادر گردد و در مقابل آن نظر بر ماده
(۲۷) جزای عسکری بر منصبدار بدائره صلاحیت
خود نظر بنوع قباحت تجدید جزا نموده مجاز است

تکذیریه داده میتواند

تفصیلات فعلیکه از منصبداران صادر میشود نوع قباحت نیستند

۱۴۶: — اگر منصبدار با بانفزی ماتحت خود خلافت وضع عسکری

رفقار کنند مثلاً اوضاعی که قانوناً شایان

عسکری نباشد جعل بیاورند

۱۴۷: — اگر مافوق ما دون خود را با استثنای الفاظ و

برای عسکر

نیز این نیز برای عسکر

که جزای معین دار و بحر فہاسے حقارت آمیزند
مخاطب کند.

۱۴۸: — ہر گاہ مافوق بحضور امتحان خود بخن و از بصورت
لا بالیانہ بیاید.

۱۴۹: — ہنگامیکہ منصبدار مافوق بیاید رسم تعظیم را اجرا
نکند (با استثنای وقتیکہ قطعاً تسلیم
و یا مانورہ مصروف باشند).

۱۵۰: — تعلیمات عملی و نظری قطعاً اور وقت امتحان ناقص
و موافق پروگرام نباشد.

۱۵۱: — در حین حضور وقت نواختن جمع و نوکری خود حاضر
نباشد.

۱۵۲: — بتظامنامہ صفائی لین پرداخت نکند.

۱۵۳: — در ضبط و ربط قطعاً منسوبہ او عطاالت
شایدہ شود.

۱۵۴: — در وقت ختم موضع مقرری خود را ترک کند.

۱۵۶- بمنحور منصبدار مافوق یکفرا بداره صلاحیت خود مجاز است

داون .

۱۵۷- بدین سلسله مراتب اجرای وظیفه ، یعنی وظیفه

مافوق یا ماتحت خود را که از دایره صلاحیت خودش

بالا یا پایین تر است اجرا کند .

۱۵۸- در داخل یا خارج خدمت عسکریه مافوق خود را

بطوریکه تربیه عسکریه نشان داده احترام نکند .

۱۵۹- بدون سلسله مراتب نفوذ امر نماید در صورتیکه

منصبدار ماتحت موجود نباشد یا یک کار

فری پیشش شود از جزای قیامت

مستثناست (

۱۶۰- بمنحور مافوق یک او غایب که خلاف قانون عسکریه

باشد ابد اکند .

۱۶۱- الاثر از اختیارات خود در حق ماتحت امر با اجرای

ضرب و یا حبس نمودن .

۱۶۲ — اگر مافوق بدون سلسله مراتب یکفرما دون را

خودش بجاری مقرر نماید .

۱۶۳ — وقتیکه بنا پوشیدن لباس سه کاری امر شود هر

قطعه اش ملقب دیده شود .

۱۶۴ — بیکقطعه که رأساً منسوب نیست و از آمر بزرگتر امری

نگرفته خود سرانه بیکه از آنها را بیک کاری

معین کند .

۱۶۵ — بمقابل مافوق بی پروائی کند .

۱۶۶ — جز اینکه مطابق مواد نظامنامه برایش معین شده

باشد ، درصین اجرا گفتگو و اقامه دلائل نمودن .

۱۶۷ — درصین تسلیم سگرت و نسوار و چکم کشیدن .

تفصیلات بیکه نظر بفعل سلاح اندازان قیامت دانسته

۱۶۸ — (در حضر) وقت طرم جمع حاضر نشدن .

۱۶۹ — داخل تسلیم غلغله کردن سخن زدن خنده کردن .

- ۱۷۰ — داخل تعلیم نسوار و چلم یا سگرت کشیدن .
- ۱۷۱ — بدون امر منصبدار خارج از لین شدن .
- ۱۷۲ — در اجرای امر منصبدار مافوق تغافل و سهیل انگاری نمودن .
- ۱۷۳ — در وقت تعلیم بنحی و از ولا اباییانه آمدن .
- ۱۷۴ — در وقت بهره نشستن .
- ۱۷۵ — بحضور منصبدار خلاف وضع عسکریه حرف زدن .
- ۱۷۶ — بنوبت پشمره خود در اول وقت حاضر نشدن .
- ۱۷۷ — هنگام پشمره خود با کسی مجلس نمودن یا غزل خواندن .
- ۱۷۸ — نوبتچی کوته غیر حاضر شدن .
- ۱۷۹ — بنظامنامه صفائی کوته ولین پرداخت نکردن .
- ۱۸۰ — بار فیقان خود الفاظ رکیک و اطاله لسان کردن .
- ۱۸۱ — خلاف مرضی رفیقان اشیای اندیواری را صرف نمودن .
- ۱۸۲ — البسه و سایر تجهیزات عسکریه خود را پاک نگاه نکردن .
- ۱۸۳ — ملبوس و سایر تجهیزات خود را پاره کردن یا بیهنگام

پینه نمودن یا نکه و چنگک را کم کردن .

۱۸۴ — سلاح خود را پاک نکردن .

۱۸۵ — اسلحه خود را زخمی نمودن (در صورتی که مرمت طلب باشد)

اجورۀ آن را نیز تأدیه نماید

۱۸۶ — بوقت معین اسلحه خود را تحویل نکردن .

۱۸۷ — تفنگ خود را بالذات تحویل نکردن .

۱۸۸ — بکشت و مال مردم ضرر رسانیدن .

۱۸۹ — با مردمان پیشرف و هرزه آشنائی داشتن .

۱۹۰ — در مجالسی که قمار و مسکرات و فعل شنیع باشد رفتن .

۱۹۱ — غیبت یک صنف عکری و یا از منصبدار

خود را کردن .

۱۹۲ — بهمه منصبداران رسم تعظیم اجرا نکردن .

۱۹۳ — با اتفاق کثیره عرض و سکایت کردن .

۱۹۴ — در چنانکه منصبدار امر میکند اطاعت نکردن .

۱۹۵ — امر منصبدار دوم را با وجودیکه هنوز وقت باقیست

نکته

نکته

بمنصبه را قول اطلاع ندادن .

- ۱۹۶- بحضور منصبه را با یک نفر مزاج و خسته کردن .
۱۹۷- پیش روی منصبه را کدام نفر را دشنام دادن .
۱۹۸- در وقت تعلیم بقومانده معلم پر داخت نکردن .
۱۹۹- اسلحه و تجهیزات و لوازم عسکریه و حیوانات
سواری و باربرداران که برای مسوین نظامی
داده شده باشد - اگر در مقابل دشمن و اشقیای
سلح و یا غیره خدماتیکه موظف و مامور شده
باشند ، بداخل وظیفه تلف و ضائع شود
باین شرطیکه همان نفس نظامی ایجابات فریضه
ذمت خود را کاملاً بجا آورده ، از تهت جرم عمد
و غفلت خود را تماماً بری الذمه ثابت کرده
بتواند - بعد از تصدیق کندک و غنم و منظوری
قوماندان قطعه و وزارت حربیه از مجازات
قانونی و مصادره اموال مذکور معاف و الا طبق

بمنصبه

بمنصبه

قوانین موضوعه تحت محاکمه گرفته میشوند .

۲۰۰ — باجراے احکام این نظامنامه وزیر حرسه وزیر
عدلیه مامورند .

اجرای احکام این نظامنامه را در جمله نظامات



دولت امرواراده مسیما

